

سال‌نمای امنیت ملی
جمهوری اسلامی ایران
تحولات راهبردی ۱۳۹۲
چشم‌انداز ۱۳۹۳

زیر نظر شورای نویسندگان



نظام بین الملل

مقدمه

نظام بین الملل کنونی بر پایه دولت های ملی طی سده های گذشته شکل گرفته و در سراسر جهان گسترش یافته و بر اثر تحولات گوناگون تکوین یافته است. اکنون ضمن آنکه کم تر کسی تغییر در نظام بین الملل را منکر می شود، اما در همین حال، کم تر صاحب نظر و سیاست مداری اعتقاد به بروز تغییرات بنیادی و سریع در نظام بین المللی دارد. با وجود سرعت شتابان تغییرات در حوزه های علم و فناوری، سیاست و اقتصاد جهانی، بنیان های نظام بین المللی چنان تحکیم یافته که تغییرات بنیادی در آن اگر ناممکن نباشد، بسیار سخت و غیر واقع بینانه است و تغییرات و تحولات عموماً به صورت بطئی، نامحسوس و بلندمدت صورت می گیرد. در ساختار نظام بین المللی، نوعی ثبات و تداوم وجود دارد.

تغییر در نظام بین المللی ممکن است تغییر در بازیگران و جایگاه بازیگران، نظام های فکری سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، مناسبات و توزیع قدرت در جهان، ارزش ها، قواعد و هنجارهای حاکم بر نظام بین المللی باشد. برخی از این تغییرات، آشکار و ملموس و برخی تدریجی و آرام هستند. بررسی میزان تغییر و ثبات در ساختار نظام بین المللی در یک دوره زمانی یک ساله بسیار سخت و دشوار است. با وجود این، تشریح برخی رویدادها و تحولات می تواند تغییرات آشکار و ژرف در نظام بین المللی را نشان داده و فهم سیاستمداران و تحلیل گران را از تأثیرات نظام بین المللی بر امنیت ملی ایران و فضایی که جمهوری اسلامی ایران در آن به کنش گری می پردازد، عمیق تر و دقیق تر نماید.

برآورد ۱۳۹۲

تغییرات و تحولات اساسی در نظام بین‌المللی بر اساس توزیع قدرت در سطح بازیگران، رویکرد و روابط قدرت‌های بزرگ با همدیگر و کنش‌گران دیگر، رویکرد و نحوه برخورد قدرت‌های بزرگ با مسایل و مشکلات اساسی جامعه جهانی، به ویژه برخورد با مسایل و موضوعاتی که صلح و امنیت بین‌المللی را به مخاطره می‌اندازند، عناصر تعیین‌کننده قدرت و ثروت در جهان، قواعد و هنجارهای تعیین‌کننده مناسبات اجتماعی در جامعه جهانی بررسی می‌شود. هرچند این تغییرات نامحسوس و بطئی است و با فراز و فرودهایی همراه است؛ اما به دلیل تأثیرات اساسی در مناسبات بین‌المللی بر قدرت و امنیت ملی کشورها و تهدیدات و فرصت‌های آنها، تأثیر قابل ملاحظه‌ای در عرصه جهانی دارد و بررسی آنها می‌تواند برای تبیین و تأمین امنیت ملی ایران راه‌گشا باشد.

نظام بین‌المللی بر
اساس توزیع قدرت
در جهان همچنان یک
نظام یک-چندقطبی
است و در سال ۱۳۹۲،
در این زمینه تغییری
اساسی به وجود نیامد

نظام تک / چندقطبی: نظام بین‌المللی بر اساس توزیع قدرت در جهان همچنان یک نظام یک-چندقطبی است و در سال ۱۳۹۲، در این زمینه تغییری اساسی به وجود نیامد. آمریکا همچنان در رأس نظام بین‌المللی است و با اتخاذ رویکرد چندجانبه‌گرایی بین‌المللی در سیاست خارجی می‌کوشد هژمونی خود را از طریق جلب حمایت قدرت‌های غربی، عدم مخالفت جدی دیگر کشورها و همکاری قدرت‌های متعارض مثل روسیه و چین در قالب همکاری دوجانبه و چندجانبه پیش برده و از تبدیل شدن قدرت‌های رقیب به قدرت مقابله‌جو جلوگیری کند. با وجود این، رقابت در میان قدرت‌های بزرگ جهان برای به چالش کشیدن موقعیت بین‌المللی آمریکا ادامه دارد. روسیه، چین و اتحادیه اروپا، سه رقیب اصلی آمریکا در این زمینه هستند که می‌کوشند با تقویت قدرت ملی، گسترش همکاری‌های منطقه و بین‌المللی، از تقویت و تعمیق سیطره آمریکا در ابعاد مختلف جلوگیری نمایند.

بر خلاف سال گذشته، در سال ۱۳۹۲ تغییری در سطح رهبران آمریکا، چین و فرانسه و به همین صورت، کشورهای بزرگ دیگر روی نداده است. دولت اوباما و رهبر جدید چین که در کنگره هیجدهم حزب کمونیست در سال گذشته انتخاب شد، همچنان ضمن رقابت در برخی حوزه‌ها از جمله تسخیر بازارهای تجاری، فناوری‌های رایانه‌پایه و تسخیر فضا و برداشتن گام‌های مهم در این زمینه‌ها، همچنان بر همکاری در عرصه بین‌المللی و توسعه و خروج از بحران اقتصادی تأکید کرده و از مقابله‌جویی غیرقابل کنترل خودداری می‌کنند.

رویدادها و تحولات بین‌المللی: بروز مسایل و معضلات امنیتی آزمونی برای کارکرد نظام بین‌المللی و معمولاً عاملی برای شکل‌گیری و تکوین مناسبات قدرت‌های بزرگ با یکدیگر است. در این مسایل است که کشورهای بزرگ قدرت خود را در رویارویی، رقابت و همکاری بین‌المللی اجرایی کرده و به منصفه ظهور می‌رسانند. در سال ۱۳۹۲، در عرصه

بین‌المللی، بحران سوریه، بحران اوکراین، افشای رسوایی شنود سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا از کشورهای دیگر، به ویژه سران دولت‌های متحد این کشور، اجرای معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، جنگ در کشورهای آفریقایی، بروز تنش در مناسبات چین و ژاپن، مبارزه با تروریسم و در نهایت، حقوق بشر، موضوعاتی بودند که کنش‌گران اصلی نظام بین‌المللی را به تقابل و تعامل با یکدیگر وادار کرده و خطوط ارتباطی و گسل‌های سیاسی و اجتماعی بین‌المللی را بیش از پیش نمایان ساختند.

از میان رویدادهای فوق، **بحران سوریه**، ناشی از تقابل دولت‌های غربی و هم‌پیمانان منطقه‌ای آنها با دو دولت روسیه و چین و هم‌پیمان منطقه‌ای آنها جمهوری اسلامی ایران بود. این تقابل در اوایل شهریور، به هنگام آشکارشدن موضوع استفاده از سلاح‌های شیمیایی در سوریه و اعلام آمادگی دولت‌های غربی برای رویارویی با دولت بشار اسد به اوج رسید و در کنفرانس ژنو ۲ تقابل و تعارض از حوزه نظامی به عرصه دیپلماسی رسید و وزنه تعامل سنگین‌تر شد تا راه‌کاری برای مقابله با بحران سوریه که از نظر انسانی به شدت مورد انتقاد جامعه جهانی است و نشانی از ناکارآمدی نظام بین‌المللی کنونی تلقی می‌شود، به وجود آید.

بحران رسوایی جاسوسی آمریکا، واقعه دیگری بود که در سال ۱۳۹۲ کنش‌گران مهم نظام بین‌المللی را به تقابل با یکدیگر سوق داد و در عین حال که جایگاه نوین و تأثیرگذار فرد را در نظام بین‌الملل و متأثر از روند جهانی شدن، به رخ کشید، واقع‌گرایی قدرت‌محور نظام بین‌المللی را نیز آشکار کرد که با اصول لیبرالی طرح‌شده از سوی دولت‌های غربی، به ویژه آمریکا در تعارض قرار داشت و کم و بیش منجر به عقب‌نشینی دولت اوباما از سیاست‌های اطلاعاتی و امنیتی آمریکا شد. این تقابل در ابتدای پناهنده‌شدن ادوارد اسنودن به هنگ کنگ و سپس به روسیه، بیشتر میان دولت‌های غربی به رهبری آمریکا و روسیه و حتی برخی دولت‌های جهان سومی ضد آمریکا بروز یافت؛ اما به تدریج با افشاشدن اقدامات گسترده جاسوسی آمریکا از دولت‌های جهان، به ویژه شنود تلفن همراه سران دولت‌های غربی، موضوع به سمت تقابل میان آمریکا و انگلیس از یک سو و سایر دولت‌های جهان و نمایندگان سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی طرف‌دار آزادی بیان از سوی دیگر سوق یافت که در نوع خود جالب و گویای تقابل آزادی و امنیت و تعارض ماهوی میان آنها بود.

بحران اوکراین بیش از آنکه تقابل میان دو قدرت بزرگ آمریکا و روسیه باشد، تقابل میان دو نوع شیوه حکومت‌داری و نظام سیاسی است که به دلیل واقع‌شدن اوکراین بین اتحادیه اروپا و روسیه به تقابلی میان آنها تبدیل شده است. این بحران نشان‌دهنده روند تکاملی رو به گسترش نظام‌های سیاسی مردم‌سالار در جهان است که هر از گاهی و در نقطه‌ای از جهان در قالب اعتراضات گسترده اجتماعی بروز و ظهور می‌یابد و این اصل را یادآوری

بحران اوکراین بیش از آنکه تقابل میان دو قدرت بزرگ آمریکا و روسیه باشد، تقابل میان دو نوع شیوه حکومت‌داری و نظام سیاسی است که به دلیل واقع‌شدن اوکراین بین اتحادیه اروپا و روسیه به تقابلی میان آنها تبدیل شده است

در سال ۱۳۹۲، به رغم بروز تنش میان مسکو و واشنگتن در مورد سوریه، پناهنده‌شدن اسنودن به روسیه و بروز بحران در اوکراین، رؤسای هر دو کشور به شکل آگاهانه از بروز مناسبات تنش‌زای غیرقابل کنترل اجتناب کردند

می‌کند که امنیت پایدار با نظام‌های مردم‌سالار و کارآمد میسر است و فقدان انسجام درونی ملت‌ها می‌تواند بستری برای مداخله و افزایش تأثیرگذاری قدرت‌های بزرگ در امور داخلی کشورهای بی‌ثبات باشد. مورد اوکراین نشان می‌دهد قدرت جذب اروپا همچنان در میان برخی ملت‌ها نیروبخش و تحرک‌آفرین است و در مناطق پیرامونی آن می‌تواند به جنبش‌های اجتماعی جدیدی منجر شود.

فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی و دیجیتالی‌شدن جهان: در سال ۱۳۹۲ که حدوداً با سال ۲۰۱۳ برابر است، رشد دانش و فناوری در عرصه‌های گوناگون ادامه یافت و افق‌ها و چالش‌های قابل توجهی را پیش روی جامعه جهانی نهاد. فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی، افشاگری‌های ادوارد اسنودن، ظهور هویت لمسی، رونق بی‌سابقه دیپلماسی دیجیتال و ظهور ابزارهای انتشار ویدئوی کوتاه در سراسر جهان، رویدادها و تحولاتی بودند که تأثیرات ژرفی بر زندگی فردی و اجتماعی و در نتیجه روابط بین‌المللی به جا می‌گذارند. افشاگری‌های ادوارد اسنودن علیه یکی از مخوف‌ترین سیستم‌های جاسوسی دیجیتال، حوزه وسیعی از دنیای امنیت و ارتباطات، معادلات ژئوپلیتیک و دیپلماتیک سیاست جهانی، حریم خصوصی، جاسوسی دولت‌ها و امنیت ملی و بین‌المللی را تحت تأثیر قرار داد. در اثر این افشاگری، نه تنها اعتماد افراد گوناگون در جهان، بلکه دولت‌های غربی نسبت به سیاست‌های واشنگتن زیر سؤال رفت و تلاش گسترده‌ای برای مقابله با اقدامات دولت‌ها در جاسوسی از دیگران و حفظ امنیت آنلاین و حریم خصوصی از سوی شرکت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی صورت گرفت. به رغم ناامنی فضای مجازی، امسال نقطه عطفی در بهره‌گیری از ابزارها و سرویس‌های جدید ارتباطی برای پیش‌برد اهداف سیاسی و دیپلماتیک در جهان بود. دولت‌مردان و سیاست‌مداران در سراسر جهان از پشت درهای بسته بیرون آمده و با استفاده از شبکه‌های اجتماعی مانند توئیتر و فیس‌بوک، در تماس و تعامل مستقیم با شهروندان قرار گرفته و می‌کوشند از این طریق افکار عمومی را نسبت به درستی راه و اهداف خود متقاعد کرده، رقبا را تحت فشار قرار داده و منافع ملی خود را تأمین نمایند.

هر دو سال، حجم داده‌ها در جهان دو برابر شده و محبوبیت و کاربرد گوشی‌های هوشمند و تبلت‌ها همچنان به طور انفجاری در سراسر جهان رو به افزایش است. تا پایان سال ۲۰۱۳، بیش از ۲۲ درصد از ساکنان کره زمین یکی از انواع گوشی‌های هوشمند و ۶ درصد از جمعیت زمین یکی از گونه‌های متنوع تبلت را در اختیار داشتند. در سال ۲۰۰۹، تنها ۵ درصد از شهروندان جهان از موهبت گوشی‌های هوشمند بهره‌مند بودند. بر اساس پیش‌بینی‌ها، تا سال ۲۰۱۷ بیش از ۸۷ درصد تجهیزاتی که به اینترنت متصل می‌شوند، گوشی‌های هوشمند و تبلت خواهند بود. گسترش این گوشی‌ها با ظهور و گسترش ویدئوهای اجتماعی همراه است که

هر سال بر مدت زمان و میزان آنها که از گوشه و کنار جهان در هر لحظه آپلود می گردد، افزوده می شود.

خروج از بحران و گسترش بازار آزاد: اقتصاد یکی از مهم ترین مؤلفه های تأثیرگذار در شکل گیری و تحول در توزیع قدرت، رویکردها و قواعد نظام بین المللی است. اقتصاد آزاد همچنان نظام اقتصادی غالب در جهان به شمار می آید و به رغم برخورد با بحران های کوچک و بزرگ، روند رو به گسترشی دارد. در سال ۲۰۱۳، نرخ رشد اقتصادی جهان معادل ۳ درصد بود. بر اساس آخرین گزارش صندوق بین المللی پول، این عدد برای سال ۲۰۱۴، رقم ۳/۷ درصد پیش بینی می شود. رشد اقتصادی منطقه یورو برای سال آینده یک درصد و برای سال ۲۰۱۵، یک و چهاردهم درصد خواهد بود. در حالی که رشد اقتصادی آمریکا در سال های فوق، به ترتیب ۲/۸ و ۳ درصد پیش بینی می شود. بر اساس این گزارش، چشم انداز رشد اقتصادی در کشورهای اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۴ به ترتیب برای بریتانیا ۲/۴ درصد، آلمان ۱/۶ درصد، فرانسه ۰/۹ درصد و ایتالیا و اسپانیا ۰/۶ درصد خواهد بود که نشان دهنده کاهش بحران اقتصادی در اروپاست. در همین حال، این گزارش تأکید می کند که افزایش رشد اقتصادی به معنای پشت سر نهادن بحران جهانی اقتصاد نیست و مدیریت آسیب پذیری ها و رعایت اولویت ها از الزامات همه کشورها برای خروج کامل از بحران است.

مناسبات قدرت های بزرگ: مناسبات قدرت و هویت میان بازیگران اصلی و کانون های مهم قدرت، شاخص دیگری برای تعیین و توصیف ساختار نظام بین المللی است که به اختصار به تداوم و تغییرات آن در سال ۱۳۹۲ اشاره می شود. کشورهای عضو اتحادیه اروپا، آمریکا، کانادا، ژاپن و استرالیا، قدرت های لیبرال جهان هستند که با اقتصاد آزاد و نظام سیاسی لیبرال شناخته می شوند. آمریکا در رأس این کانون قدرت قرار دارد. با روی کار آمدن اوباما در آمریکا، اختلاف ها میان آنها کمتر شده بود، اما با افشای ماجرای شنود آمریکا از کشورهای غربی، به ویژه جاسوسی صنعتی آمریکا از دیگر کشورها، بدبینی میان آنها افزایش یافت و برخی توافقات اقتصادی به حال تعلیق درآمد. در درون اتحادیه اروپا، آلمان همچنان رهبری اتحادیه را بر عهده دارد و الگوی حکومت داری آن برای ملت های پیرامونی اتحادیه جذاب است.

ضلع دیگر مناسبات قدرت در جهان، به روابط آمریکا با دو قدرت بزرگ غیر غربی، یعنی چین و روسیه مربوط است. در چند سال گذشته، به رغم همه فراز و فرودها، رویکرد بین الملل گرایی اوباما در قیاس با جمهوری خواهان، موجب تطیف مناسبات آمریکا با روسیه و چین شده است. در سال ۱۳۹۲، به رغم بروز تنش میان مسکو و واشنگتن در مورد سوریه، پناهنده شدن اسنودن به روسیه و بروز بحران در اوکراین، رؤسای هر دو کشور به شکل آگاهانه از بروز مناسبات تنش زای غیر قابل کنترل اجتناب کردند. آنها ضمن رقابت سنگین با همدیگر

جدا از حوزه اقتصاد و حقوق بشر که همیشه مورد ادعای دولت های غربی در برابر چین است، در سال ۱۳۹۲، چین با ارسال کاوش گر چانگ-۳ به فضا نشان داد در عرصه تسخیر فضا نیز به رقابت با دولت های غربی برخاسته است

در رویکرد سیاست خارجی چین، غرب جایگاه برجسته‌ای دارد و به رغم همکاری چین و روسیه در برخی از زمینه‌ها از جمله سوریه و ایران، مناسبات اقتصادی و مالی چین با اروپا و آمریکا بسیار عمیق است

برای حفظ و گسترش نفوذ خود در مناطق پیرامونی روسیه و خاورمیانه در مورد برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، بحران سوریه و مقابله با گسترش سلاح‌های غیرمتعارف و تروریسم، همکاری نسبتاً نزدیکی با هم دارند. دولت‌مردان این دو کشور، نه گرایش به منازعه دارند و نه اعتمادی به هم. همکاری محدود در برخی حوزه‌ها و رقابت جدی در برخی دیگر، با مدیریت بحران و جلوگیری از غیرقابل کنترل شدن منازعات، منطق حاکم بر مناسبات آمریکا و روسیه است که به نظر می‌رسد با حضور پوتین و اوباما در قدرت تداوم خواهد یافت.

مناسبات چین و آمریکا به مراتب عمیق‌تر و پیچیده‌تر است. چین از چنان ظرفیتی برخوردار است که در آینده نه چندان دور به قدرت درجه یک جهان تبدیل شده و جایگاه آمریکا را به صورت کامل به چالش بکشد. رشد مداوم بالای ۸ درصدی اقتصاد چین در بیش از یک دهه گذشته و داشتن بزرگ‌ترین جمعیت جهان، نگرانی مزبور را در آمریکا افزایش داده است. به رغم اینکه در دو سال گذشته نرخ رشد اقتصاد چین کمی کاهش یافته، اما همچنان این کشور در میان قدرت‌های بزرگ جهان بالاترین رشد اقتصادی را دارد. از یک منظر، توسعه اقتصادی چین قدرت بلوک غرب را به دلیل ارائه الگوی جدید تولید ثروت به چالش کشیده و نشان داده که سرمایه‌داری تنها راه توسعه و پیشرفت به شمار نمی‌آید، اما از منظر برخی دیگر از صاحب‌نظران، جمهوری خلق چین به رغم ظاهر کمونیستی، در ذیل نظام سرمایه‌داری و در پیوند با قدرت‌های اقتصادی غربی رشد و توسعه یافته و چنان با آنها پیوند خورده که امکان توسعه پایدار به دور از نظام اقتصادی حاکم بر جهان قابل تصور نیست. از این منظر، چین نه تنها جایگزین راه توسعه سرمایه‌داری غربی نیست، بلکه عملاً در آن هضم شده و با تداوم روند کنونی، دست کم در عرصه اقتصادی، بخشی از نظام سرمایه‌داری خواهد شد.

جدا از حوزه اقتصاد و حقوق بشر که همیشه مورد ادعای دولت‌های غربی در برابر چین است، در سال ۱۳۹۲، چین با ارسال کاوش‌گر چانگ-۳ به فضا نشان داد در عرصه تسخیر فضا نیز به رقابت با دولت‌های غربی برخاسته است. قرار است این کاوش‌گر، نیمه ماه فوریه ۲۰۱۴ برای جست‌وجوی سطح ماه با هدف یافتن منابع طبیعی بر سطح ماه بنشیند. این سومین کاوش‌گر کره ماه است که برای مأموریت به سطح فضا فرستاده می‌شود. دو کاوش‌گر دیگر، دهه‌ها پیش از سوی دو ابرقدرت دوره جنگ سرد، اتحاد جماهیر شوروی که در این خصوص پیشگام بود و ایالات متحده به فضا پرتاب شدند. فرستادن فضاپیما به کره ماه از سوی چین نشان‌دهنده تمایلات مقامات این کشور مبنی بر ظهور در حد و اندازه ابرقدرت‌هاست. رئیس‌جمهوری چین می‌گوید قصد دارد کشورش را به عنوان ابرقدرت فضایی در سطح جهان مطرح کند. پکن می‌گوید قصد دارد تا سال ۲۰۲۰ یک ایستگاه دائمی فضایی بر سطح ماه دایر سازد و فضانوردی را هم راهی کره ماه کند.

موضوع مورد مناقشه دیگر در مورد چین که می تواند مناسبات این کشور با قدرت های غربی را در سال های بعد هم تحت تأثیر قرار دهد، اختلاف ها و ادعاهای سرزمینی این کشور با کشورهای همسایه، به ویژه ژاپن است. آمریکا در برخورد با این مسئله، ضمن تأکید بر خویشن داری از سوی پکن، در سفر جو بایدن معاون رئیس جمهور آمریکا به منطقه، بر مناسبات راهبردی و ائتلاف نظامی آمریکا و ژاپن تأکید کرد. ضرورت توجه به رشد اقتصادی و خروج از بحران، موضوعی است که موجب شده بازیگران اصلی سیاست در شرق آسیا از اقدامات تنش آلود دوری گزینند.

چین و روسیه دو قدرت بزرگ و تأثیر گذار در نظام بین الملل هستند که به دلیل هم جوارگی جغرافیایی و علائق سیاسی به یکدیگر نزدیک شده و در حوزه های اقتصادی، مقابله با تندروی اسلامی و جدایی طلبی، شکل دادن به نظام بین المللی، به صورت دوجانبه یا در قالب سازمان های بین المللی مثل شورای امنیت و سازمان شانگهای همکاری می کنند. آنها علاوه بر چهار هزار و سیصد کیلومتر مرز مشترک، در زمینه جلوگیری از تسلط آمریکا بر نظام بین المللی منافع مشترک دارند و در مقابل اقدامات دولت های غربی در نادیده گرفتن حاکمیت های ملی و تأکید بر حقوق بشر و آزادی های سیاسی و تحمیل نظام اقتصادی و سیاسی غرب بر این کشورها، احساس نگرانی می کنند. در همین حال، چین با گرایش به اقتصاد بازار آزاد کاملاً موفق بوده و همچنان خود را نیازمند همکاری با غرب و علم و فناوری آنها می داند. از این رو، در رویکرد سیاست خارجی چین، غرب جایگاه برجسته ای دارد و به رغم همکاری چین و روسیه در برخی از زمینه ها از جمله سوریه و ایران، مناسبات اقتصادی و مالی چین با اروپا و آمریکا بسیار عمیق است و آنها به دنبال امضای موافقت نامه تجاری میان اتحادیه اروپا و چین هستند.

تداوم بحران در جهان عرب: سه سال پس از شروع اعتراض های گسترده اجتماعی در جهان عرب، خاورمیانه همچنان بی ثبات و نقش کنش گران فرامنطقه ای برجسته است. از میان کشورهایی که در آنها انقلاب روی داده بود، تنها تونس توانست از مرحله گذار با آرامش و هزینه کم تر عبور کند. بحران در لیبی، یمن، مصر، سوریه و بحرین ادامه دارد و کشورهای عراق و لبنان با بی ثباتی و ناآمنی روبه رو هستند. مناظره و کشمکش گفتمان ها و حاملان داخلی، منطقه ای و بین المللی آنها نتوانسته به موقعیت مسلط یکی از آنها بیانجامد. بر خلاف سال گذشته، در سال ۱۳۹۲، موقعیت اسلام گرایان میانه رو در مصر و تونس به نفع سکولارها و در سوریه به نفع گروه های تکفیری تضعیف شد. تداوم تراژدی انسانی در سوریه، گفتمان های حقوق بشری و ارزش های انسانی و کارآمدی جامعه بین المللی را به چالش گرفته است. هرچند جامعه بین المللی در خلع سلاح شیمیایی دولت سوریه موفق بود، اما به رغم برگزاری کنفرانس ژنو و برقراری آتش بس موقت در حمص برای امداد رسانی به افراد غیرنظامی باقی مانده در

در سال ۱۳۹۲، جنبش های اجتماعی نسبت به گذشته کم رنگ تر و بی رمق تر شدند. جنبش بیداری اسلامی در جهان عرب با موانع بزرگ تری روبه رو شده و در مواردی سرکوب و در مواردی به افراط گرایی رسید. در غرب، جنبش ضد وال استریزیت عملاً پایان یافت و ظهوری نداشت

محاصره، جامعه بین‌المللی تا کنون نتوانسته اقدام جدی برای پایان‌دادن به بحران سوریه انجام دهد. این بحران با ورود نیروهای افراطی بیشتر از سراسر جهان به منطقه و گسترش آن به کشورهای پیرامونی می‌تواند بیش از پیش امنیت بین‌المللی را به خطر انداخته و همکاری وسیع‌تری را موجب شود. بروز تهدیدات تروریستی در کشورهای اروپایی و دولت‌های باثبات منطقه می‌تواند به صورت عامل شتاب‌زا برای همکاری عملی‌تر جامعه بین‌المللی برای پایان‌دادن به بحران در سوریه عمل کند.

برآورد مقایسه‌ای

مقایسه رویدادها و تحولات سال ۱۳۹۲ با سال قبل نشان‌دهنده تداوم ساختارها و بروز بحران‌های مشکل‌ساز و تغییرات ژرف در نظام بین‌المللی است. نظام تک / چندقطبی، نظام مسلط در جهان امروز است که قدرت‌های بزرگ ضمن قبول ضمنی آن درصدد ارتقاء جایگاه موقعیتی خود در آن هستند. چالش‌های گفتمان اقتصاد سرمایه‌داری در درون آمریکا با خروج از بحران اقتصادی و حرکت به سوی نوعی نظام مراقبتی و در اروپا با کنترل بحران و آغاز رشد اقتصادی، کاهش یافته و ناکارآمدی احزاب سوسیالیستی در اروپا، به ویژه در فرانسه، موجب بهبود موقعیت احزاب دست راستی در این قاره شده است. در سطح بین‌المللی نیز از شدت صدای کشورهای معترض به نظام سرمایه‌داری کاسته شده است.

فضای مجازی، شبکه‌های اجتماعی و فناوری‌های نوین ارتباطاتی و اطلاعاتی، همچنان عامل مهم در بروز و تداوم تغییرات ژرف در نظام بین‌المللی به شمار می‌آیند که از سال گذشته شروع شده و روند به رشد خود را حفظ کرده است. تقابل میان حریم خصوصی و امنیت ملی و بین‌المللی و بازیگران دولتی و غیردولتی، همانند سال‌های گذشته تداوم دارد و تلاش برای کنترل و به کارگیری فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی به عنوان سازوکار پویایی و تحول نظام المللی عمل می‌کند. این سازوکار عامل تداوم روندی است که در آن، نظام بین‌المللی به سوی جامعه بین‌المللی و به نوعی جامعه جهانی که در آن شهروندان اهمیت و اصالت بیشتری دارند، رهسپار است.

با وجود روند فوق، در سال ۱۳۹۲ بحران‌های امنیتی در گوشه و کنار جهان تداوم یافت. این بحران‌ها در شرق آسیا کنترل و در غرب آسیا موجب تراژدی انسانی شده است. آفریقا با منازعات دولتی و داخلی روبه‌روست و تهدید تروریسم همچنان پابرجاست و به رغم همکاری قدرت‌های بزرگ در پیش‌برد رژیم منع گسترش سلاح‌های غیرمتعارف، بحران سوریه تداوم دارد و سایه فعالیت‌های افراطی بر نظام بین‌الملل سنگینی می‌کند.

رشد اقتصادی جهان در سال ۱۳۹۲ افزایش یافته و آمریکا به عنوان مهم‌ترین قدرت

اقتصادی، رشد بالاتری را تجربه کرد. اروپا بحران اقتصادی را کنترل و امید به افزایش رشد در میان مردم این قاره به طور کلی میان مردم جهان بیشتر شده است. تداوم رشد اقتصادی میان دولت‌های نوظهور نیز نشان‌دهنده چشم‌انداز امیدوارکننده‌تر برای اقتصاد جهان در سال آینده است.

امسال در کانون‌های قدرت در جهان تغییری به وجود نیامد. بین‌الملل‌گرایی در میان قدرت‌های اصلی جهان به عنوان رویکرد غالب، به ویژه در حوزه مقابله با گسترش سلاح‌های غیرمتمعارف و تروریسم تداوم یافت، اما در قیاس با سال گذشته، مناسبات درونی اردوگاه غرب به دلیل افشای جاسوسی آمریکا از قدرت‌های غربی دچار مسایل و مشکلات حاشیه‌ای بیشتری شد. مناسبات غرب و روسیه در موضوع بحران اوکراین دچار مشکل است و ممکن است پس از پایان المپیک سوچی که عامل مؤثری در بین‌الملل‌گرایی روسیه به شمار می‌آید، با مسایل و مشکلاتی روبه‌رو شود، اما با توجه به خویشتن‌داری دو طرف، مشکلات به سطح غیرقابل کنترل نخواهد رسید.

در سال ۱۳۹۲، جنبش‌های اجتماعی نسبت به گذشته کم‌رنگ‌تر و بی‌رمق‌تر شدند. جنبش بیداری اسلامی در جهان عرب با موانع بزرگ‌تری روبه‌رو شده و در مواردی سرکوب و در مواردی به افراط‌گرایی رسید. در غرب، جنبش ضد وال استریت عملاً پایان یافت و ظهوری نداشت. مهم‌ترین جنبش اجتماعی سال در اوکراین شکل گرفت که یادآور انقلاب نارنجی این کشور در ده سال قبل بود. البته، این انقلاب نه علیه گفتمان غرب، بلکه در راستای نزدیکی به آن و مقابله با نفوذ روسیه در این کشور شکل گرفت.

چشم‌انداز ۱۳۹۳

بررسی روند تحولات و رویدادهای سال ۱۳۹۲ در نظام بین‌الملل، نشان می‌دهد تغییرات رزف در درون همین نظام تک / چندقطبی در ابعاد فکری، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، ادامه خواهد داشت. رقابت اصلی میان قدرت‌های بزرگ غربی شامل اروپا و آمریکا، روسیه و چین، گروه هفت و قدرت‌های نوظهور خواهد بود. دولت‌های غربی با خروج تدریجی از بحران اقتصادی، در حال تعمیق گفتمان سیاسی و اقتصادی خود در سراسر جهان هستند. عملکرد احزاب چپ‌گرا در اروپا و تعدیل سیاست‌های بازار آزاد در آمریکا نشان‌دهنده گرایش به سوی احزاب و گروه‌های میانه است. به نظر می‌رسد در سال آینده، جنبش‌های رادیکال از جنس ضد وال استریت تا تی پارتی در آمریکا و اروپا بیش از پیش به حاشیه روند، اما جنبش‌های اجتماعی به بهانه‌های گوناگون سیاسی و اقتصادی در کشورهای مختلف جهان، به ویژه در میان قدرت‌های اقتصادی بزرگ و در حال توسعه، تداوم و گسترش یابند.

پیشرفت‌های علمی و فناوری‌های نوین ارتباطاتی و اطلاعاتی موجب کاهش بیشتر فاصله‌ها، افزایش هوشمندی ابزارهای زندگی اجتماعی و گسترش فضای مجازی و پیچیده‌تر شدن مناسبات میان بازیگران جامعه بین‌المللی می‌شود. این روند در سال بعد با سرعت بیشتر تداوم خواهد یافت. رقابت میان دولت‌ها با یکدیگر برای دستیابی به اطلاعات بیشتر و با افراد و سازمان‌های غیردولتی در راستای برقراری امنیت شدت خواهد گرفت. شرکت‌های بزرگ حوزه اینترنت به دلیل حساسیت مردم و نهادهای غیردولتی به حفظ حریم خصوصی و دولت‌ها برای دستیابی به اطلاعات آنها در راستای گسترش نفوذ و تأمین امنیت تحت فشار خواهند بود. رمزگذاری، فیلترینگ، جاسوسی، حریم خصوصی و امنیت در فضای مجازی، جلوه‌ای تمام‌عیار از رقابت دولت‌ها با یکدیگر، دولت‌ها با افراد و شرکت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی با دولت‌ها خواهد بود که نمادی از رقابت تاریخی آزادی و امنیت است که در فضای مجازی پیچیده‌تر هم شده است. شرکت‌های فعال در حوزه فناوری اطلاعات با نوآوری‌های جدید فرصت‌های بیشتری را در اختیار پیام‌رسانی جهانی قرار خواهند داد.

چشم‌انداز روشنی برای پایان بحران در جهان و فقر و منازعه در آفریقا وجود ندارد. پیشرفت در مناقشه هسته‌ای ایران با غرب می‌تواند نوری در انتهای کوچه تاریک خاورمیانه برای حل و فصل مناقشات و بی‌ثباتی گسترده در این منطقه باشد. به تناسب پیشرفت و بن‌بست در این موضوع، اوضاع خاورمیانه تغییر خواهد کرد. حل و فصل مسأله آرمیز مناقشه هسته‌ای ایران یکی از دستور کارهای مهم جامعه جهانی در سال آینده است و روند مذاکرات نقش مهمی در مناسبات قدرت در جهان و اوضاع خاورمیانه دارد. اراده قوی در دو سوی مناقشه و شقوق به مراتب پرهزینه‌تر برای طرف‌های بازی در صورت شکست روند موجود، چشم‌انداز امیدوارکننده‌تری از تداوم پیشرفت در آن ارائه می‌دهد.

دولت‌های بزرگ جهان ضمن همکاری در حوزه مقابله با تروریسم، منع گسترش سلاح‌های غیرمتعارف و به نوعی چندجانبه‌گرایی در عرصه سازمان‌های بین‌المللی برای حل و فصل این گونه مسایل، در حوزه اقتصادی، علم و فناوری و دستیابی به ذخایر بزرگ اقیانوس‌ها و تسخیر فضا رقابت سنگینی با هم خواهند داشت. در صورت افزایش تنش در شرق آسیا، رقابت در حوزه تسلیحاتی آشکارتر و بیشتر خواهد شد. با همه این تحولات، دلیلی بر پیدایش تغییر جدی در ساختار نظام بین‌المللی وجود ندارد. تغییرات ژرف مانند تمایل به اقتصاد آزاد، بین‌الملل‌گرایی، ضدیت با خشونت، رعایت حقوق بشر، حفظ محیط زیست، احترام به آزادی‌های اساسی، حکومت‌داری خوب و حق تعیین سرنوشت ملت‌ها، به عنوان ارزش‌های جهانی با همه افت و خیزها، همانند سال‌های گذشته، روند رو به رشد خود را حفظ خواهند کرد.